

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۱۵ (۱۱/۱۱/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – ارکان عقد بیمه

موضوع بحث امروز: مسأله چهارم – شرط ششم – تعیین زمان بیمه از جهت ابتداء و انتهاء

مقدمه: بحث در ادامه شروط ذکر شده در مسأله چهارم می باشد که بحث از شرط ششم در صحت عقد بیمه می باشد، امام خمینی، ره می فرمایند:

«السادس: تعیین زمان التأمین ابتداء و انتهاء، وأما تعیین مبلغ التأمین بأن یعین ألف دینار مثلاً فغیر لازم، فلو عین المؤمن علیه والتزم المؤمن بأن کل خساره وردت علیه فعلىّ أو أنا ملتزم بدفعها كفى»

شرط ششم تعیین زمان بیمه از جهت ابتدا و انتها می باشد. در ادامه می فرمایند: تعیین مبلغ بیمه (مبلغی که بیمه بابت خسارت معین شده باید بپردازد) مثلاً هزار دینار تعیین شود لازم نیست، پس اگر مورد بیمه معین شود و بیمه کننده ملتزم شود که هر خسارتی که بر او وارد شود بر من است، یا من به پرداخت آن ملتزم می باشم، کفایت می کند.

به هر صورت ایرادی ندارد که سقف و کف مبلغ خسارتی که پرداخت می کند معین نباشد و بیمه کننده می تواند به صورت مطلق، متعهد به پرداخت هر مقدار خسارت وارد شده به موضوع عقد بیمه شود. پس بحث درباره مبلغ استئمان نیست بلکه در مبلغ تأمین می باشد.

در شرط ششم دو فرع مورد بررسی قرار می گیرد، فرع اول: «تعیین تاریخ التأمین بدایهً و نهایهً» فرع دوم: «عدم لزوم تعیین المبلغ التأمین»

فرع اول: تعیین تاریخ التأمین بدایهً ونهایهً

قبل از ورود به این فرع، مقدمه‌ای عرض کنیم و آن اینکه بطور کلی عقود به جهت تعیین مدت به دو قسم تقسیم می‌شوند:

تعیین زمان بیمه عقود را به اعتبار اثر زمان در صحت و بطلان آنها، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست عقود هستند که زمان در صحت آنها دخالت ندارد، مانند عقد بیع. دسته دوم عقود هستند که زمان در اعتبار آنها دخالت دارد. یعنی تعیین زمان از عناصر اساسی عقد به شمار می‌آید مانند عقد اجاره. در عقودی که زمان در آن مؤثر واقع می‌گردد، زمان مانند عوضین باید معین و مشخص باشد. در غیر این صورت، عقد مجهول می‌باشد و در نتیجه باطل خواهد بود. در این دسته از عقود، آغاز و انجام عقد باید مشخص باشد. به عنوان مثال، اگر مدت زمان عقد اجاره مشخص نشود و فقط در عقد مبلغ ماهانه اجاره مشخص گردد؛ یعنی مدت تملیک منفعت خانه مشخص نباشد، این اجاره باطل خواهد بود. عقد بیمه نیز مانند عقد اجاره از عقود است که زمان در آن باید مشخص باشد در غیر این صورت عقد بیمه باطل خواهد بود. فقها نیز رعایت این شرط را در عقد بیمه ضروری دانسته‌اند (برخی عقود به جهت تعیین مدت را به تقسیم سه‌گانه بیان نموده‌اند،

قسم اول: عقودی که باید مدت داشته باشند و نمی‌توانند بدون مدت باشند؛ مانند عقد اجاره، اجاره، عقد مزارعه، عقد مساقات، عقد نکاح موقت

قسم دوم: عقودی که مدت ندارند و اصلاً نمی‌توانند مدت داشته باشند؛ مانند عقد بیع، عقد نکاح دائم، عقد هبه عین، عقد وقف مؤبد

قسم سوم: عقودی که می‌تواند مدت داشته باشند یا بدون مدت باشند؛ مانند عقد مضاربه، عقد شرکت، عقد وکالت، عقد رهن، قرض

در قسم اول اگر در عقد مدت ذکر نشود عقد باطل است)

سه دلیل برای این شرط ذکر شده:

دلیل اول، عقد بیمه از عقود زمانی است که تعهدات در مدت معین، الزامی است و لذا اگر مدت و تاریخ تامین از ابتدا تا انتهای تعهد در عقد بیمه معلوم نباشد، این عقد باطل است مانند عقد اجاره و عقد نکاح موقت، اینگونه عقود، تعیین مدت تعهد نقش عنصری در صحت عقد دارد.

«وهو من العقود الزمنية؛ لأنه يعقد لزمان معین، والزمّن عنصر جوهری فیہ، ویلتزم المؤمن لمدّة معینة، فیتحمّل تبعه الخضر المؤمن منه ابتداءً من تاریخ معین إلى نهاية تاریخ معین»

دلیل دوم: غرر در عدم تعیین مدت، از غرر در مابقی شروط دیگر که تعیین در آنها شرط بود، بیشتر است و لذا بطلان عقد در صورت عدم تعیین تاریخ و مدت، بطلان عقد را در پی دارد و مشمول نهی از بیع غرری می‌شود.

دلیل سوم: سیره عقلا در تعیین مدت تعهد در عقود زمانی، امری مسلم است و لذا فرموده‌اند: «إن إهمال عقد التأمین من جهة ابتداءه وانتهائه، یكون علی خلاف ما استقرّ علیہ بناء العرف والعقلاء فی عملیة التأمین؛ فإنهم یعدّون المعاملة التأمینیة الخالیة من تعیین هذه الجهة، معاملةً غیر عقلائیة، وهم لا یقدمون علیها، ولا یلتزمون بترتیب الآثار علیها»

و لذا چون سیره عقلا بر این شرط قائم است و ردعی هم از آن نشده، مشمول عمومات عقود مانند «با ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»

فرع دوم: عدم لزوم تعیین المبلغ التأمین

دلیل بر اینکه لازم نیست مبلغ تأمین معین شود، تراضی طرفین است، یعنی «تجارة عن تراض» شامل آن می‌شود که در عقد بیمه نیز می‌گوئیم انعقاد عقد بیمه، تابع قواعد عمومی عقود و قراردادهاست. قصد و رضایت شرط قوام آن و رعایت شرایط اختصاصی آن، موجب صحت و تأثیر آن خواهد بود. فقهای حاضر می‌فرمایند:

«لا يخفى: أن عدم كفايته يختصّ بما إذا كان مورد وفاق الطرفين؛ أي المؤمن والمستأمن، تحمّل المؤمن لنفس الخسارة المعيّنة وإنما جعل مبلغ التأمين طريقاً إليه، وأما إذا كان ما اتّفقا عليه دفع نفس المبلغ المعين عند حدوث الكارثة، فهو كافٍ بلا إشكال و ريب، وإن كان ذاك المبلغ أقلّ من قيمة الكارثة التي طرأت على المال المؤمن عليه؛ لأنّ تراضى المؤمن والمستأمن حينئذٍ إنّما استقرّ على جبر بعض الكارثة، لا كلّها و قد يكون على جبر كلها، لأنّه يكون مقتضى التراضى»

مباحث مسأله چهارم كه تعيين شش شرط در عقد بیمه بود، تمام شد. در جلسه آينده مسأله پنجم كه در موضوع انواع بیمه است را بررسی می كنيم. ان شاء الله

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين